

تحلیلی بر عوامل و اثرات تبدیل روستا به شهر بر نظام شهری استان

گیلان (۱۳۳۵-۱۳۹۵)^۱

محمد مهدی عزیزی^{۱*}، اسفندیار زبردست^۲، مهدی برنافر^۳

۱. استاد دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. استاد دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. دانشجوی دکتری شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

دریافت: ۹۶/۰۸/۲۷ پذیرش: ۹۷/۰۲/۲۲

چکیده

در چند دهه اخیر تبدیل روستا به شهر به عنوان یکی از ابعاد اساسی موثر بر شهرنشینی در ایران قابل مشاهده است و عوامل، فرایندها، الگوها و ملاک‌های دخیل بر این امر و پیامدهای حاصل از آن بر تغییر شهرها و نظام شهری، توجهات زیادی را در میان پژوهشگران به خود جلب نموده است. گرچه روند تبدیل نقاط روستایی به شهر در تمام کشور با درجات متفاوتی از شدت و سرعت رخ داده است، با این حال این امر در برخی از نقاط کشور دارای اهمیت بیشتری برای مطالعه است که یکی از این مناطق استان گیلان می‌باشد. وجود اراضی مستعد کشاورزی، فشردگی سکونتگاه‌های شهری و روستایی در کنار یکدیگر، تراکم بالای جمعیت در پهنه سرزمین، در کنار نرخ بالای افزایش شمار شهرها طی چند دهه گذشته در منطقه مورد نظر، از جمله ویژگی‌هایی هستند که ضرورت این امر را روشن می‌سازند. هدف این مقاله تبیین و دسته‌بندی عوامل موثر بر تبدیل روستا به شهر در استان گیلان و تاثیرات آن بر تغییرات نظام شهری استان طی چند دهه اخیر است. از بعد ماهیت تحقیق، این پژوهش را می‌توان از جمله پژوهش‌های استقرایی-قیاسی دانست. روش به کار گرفته شده در این پژوهش، روش توصیفی-ارزیابی و روش گردآوری داده‌ها به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای است. مطالعه نظام شهری استان گیلان نشان می‌دهد از آنجایی که در چند دهه اخیر، تعداد زیادی از شهرهای استان را شهرهای کمتر از ۵۰۰۰ نفر تشکیل داده‌اند، پیدایش شهرهای کم‌جمعیت در استان اساساً تحت تأثیر سیاستها و تصمیمات دولتی بوده است. نرخ شدید تبدیل روستا به شهر در چند دهه اخیر، خصوصاً پس از انقلاب اسلامی در برابر رشد سریع شهر رشت به عنوان کلانشهر منطقه‌ای، سبب شده تا این دسته از شهرها نتوانند در سلسله مراتب نظام شهری جایگاه شایسته‌ای برای خود فراهم کنند. بنابراین، تبدیل روستا به شهر به تعدیل نظام شهری منجر نشده و نیاز به تغییر در الگوهای برنامه‌ریزی فضایی استان وجود دارد.

واژگان کلیدی: تبدیل روستا به شهر، نظام شهری، سلسله‌مراتب شهری، استان گیلان.

^۱ - این مقاله برگرفته از مباحث رساله دکتری آقای مهدی برنافر است که در دانشکده شهرسازی پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران در حال انجام می‌باشد.

۱- مقدمه

با وقوع تحولات گوناگون اقتصادی-اجتماعی طی قرن بیستم، افزایش در میزان شهرنشینی و تعداد شهرها، همراه با تبدیل نقاط روستایی به شهر، به عنوان پدیده‌هایی که بسیاری از کشورهای جهان را درگیر خود ساخته‌اند، محسوب می‌شوند. در ایران نیز طی یک دوره ۶۰ ساله، تعداد شهرهای کشور از ۱۹۹ شهر در سال ۱۳۳۵ به ۱۲۴۳ شهر در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته‌است. شدت این روند به حدی بوده که پس از انقلاب اسلامی، تعداد شهرها بیش از ۳/۰۵ برابر شده‌است. در این میان، به جز ۱۷ شهر جدید که با هدف جذب جمعیت شهرهای بزرگ احداث شده‌اند، بقیه شامل روستاهایی بوده‌اند که به شهر تبدیل شده‌اند.

شناخت برنامه‌ریزان از نظام شهری به نحوه تعریف شهر در نظام برنامه‌ریزی وابسته است. امروزه غالباً در شناخت شهر بر طبقه‌بندی‌هایی تاکید می‌شود که از نظر آماری، سیاسی، قانونی یا عملکردی ارایه می‌شوند (Tacoli, 2003:3) و آنچه به عنوان میزان شهرنشینی و تعداد شهرها در کشورهای مختلف معرفی می‌گردد، بر اساس اطلاعات حاصل از نهادهایی است که جمع‌آوری و پردازش اطلاعات آماری را برعهده دارند. چنین شرایطی این سوال را به ذهن متبادر می‌سازد که چه عوامل^۲ یا شرایطی^۳ سبب می‌شوند تا سکونتگاه‌های روستایی^۴ به عنوان نقاط شهری جدید معرفی شده و در سلسله مراتب شهری ملی-منطقه‌ای جای گیرند. بدین ترتیب، گونه‌شناسی^۵ عوامل موثر بر تبدیل روستا به شهر را می‌توان به عنوان یکی از اهداف این پژوهش مد نظر قرار داد. جدا از تبیین عوامل موثر بر شناخت سکونتگاه‌های روستایی به عنوان شهر، می‌توان تأثیرات آن را بر روی نظام شهری به مثابه سیاستی برای بهبود نظام شهری ارزیابی نمود. مروری بر مهمترین مطالعات داخلی و خارجی نشان می‌دهد که موضوع تبدیل روستا به شهر از ابعاد مختلفی نظیر توسعه روستایی (Tacoli, 2003:6؛ رضوانی و همکاران، ۱۳۸۶؛ ایزدی و نوذری، ۱۳۹۲)، بهبود اشتغال (Courtney, et al, 2007؛ سرایی و اسکندری، ۱۳۸۶)، کاهش مهاجرت (Baker, 2012؛ ضیاء توانا و همکاران، ۱۳۹۲؛ کریمی و همکاران، ۱۳۹۳)، نظام سکونتگاهی (Manta, et al., 2013؛ امیر انتخابی، ۱۳۹۴) و تمرکززدایی سیاسی (Owusu, 2005؛ زنگنه شهرکی، ۱۳۹۲) مورد مطالعه قرار گرفته‌است. در این میان، یکی از مهمترین ابعاد قابل تامل در خصوص اثرات تبدیل روستا به شهر، نقش و جایگاه این دسته از شهرها در نظام سکونتگاهی است؛ زیرا

^۲ -Factors

^۳ -Conditions

^۴ -Rural Settlements

^۵ -Typology

برخی شواهد حاکی از آن است که در این‌گونه شهرها، جمعیت رقم چشمگیری را تشکیل نمی‌دهد (زنگنه شهرکی، ۱۳۹۲) و نرخ رشد آنها نشان می‌دهد که از فرایندهای پویای توسعه که در سطح منطقه‌ای عمل می‌کند، دور هستند (Bloh, 2008:7) و در نتیجه ممکن است قادر به نقش‌آفرینی در نظام شهری نباشند. نکته مهم در اینجا، تبیین ارتباط میان عوامل موثر بر تبدیل روستا به شهر و ارتباط آن با جایگاه این شهرها در نظام شهری است.

در پژوهش حاضر، استان گیلان به دلیل رشد سریع شمار نقاط شهری طی چهار دهه اخیر به‌عنوان نمونه مطالعاتی مورد بررسی قرار گرفته‌است. این امر از چند بعد واجد اهمیت است. یکم، طبق سرشماری سال ۱۳۹۵، جمعیت استان گیلان ۲۵۳۰۶۹۶ نفر بوده که ۶۳٫۳ درصد آن شهرنشین و ۳۶٫۷ درصد آن روستانشین هستند (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان، ۱۳۹۶: ۱۵). این در حالی است که در سال ۱۳۸۵ برای اولین بار سهم جمعیت شهری گیلان از کل جمعیت، بر سهم جمعیت روستایی فزونی گرفته‌است. دوم، به‌طور تاریخی استان گیلان همواره پیشینه شهرنشینی بسیار کمتری در مقایسه با سایر نقاط ایران دارا بوده‌است (آمار، ۱۳۸۶: ۷)؛ اما روند تبدیل نقاط روستایی به شهر طی چند دهه اخیر، شدت گرفته و تعداد شهرهای این استان از ۱۰ شهر در سال ۱۳۳۵ به ۵۲ شهر در سال ۱۳۹۶ رسیده‌است. سوم، بررسی تعداد و جمعیت شهرها در استان نشان می‌دهد که شهرهای کمتر از ۲۵ هزار نفر (شهرهای کوچک) بیشترین تعداد شهرها را در تمام دوره‌های سرشماری به خود اختصاص داده‌اند. مطالعات پیشین نیز به برخی عوامل موثر بر تبدیل روستا به شهر در استان گیلان (آمار، ۱۳۸۶؛ ضیاء توانا و امیرانتخابی، ۱۳۸۶؛ مهدوی و احمدی زاده، ۱۳۹۰) و تاثیرات این امر بر روی سکونتگاه‌های منطقه (کریمی و همکاران، ۱۳۹۱؛ امیرانتخابی، ۱۳۹۴؛ تقوایی و همکاران، ۱۳۹۵) توجه داشته‌اند. اما، تبیین عوامل موثر بر شناخت نقاط روستایی به‌عنوان شهر در استان گیلان و نحوه تاثیرگذاری این‌گونه شهرها بر نظام سکونتگاهی به‌طور کلان کمتر مورد توجه قرار گرفته‌است. چنین شرایطی بر ضرورت مطالعه عوامل ایجاد این شهرها و تاثیرات آنها بر نظام شهری منطقه صحنه می‌گذارد. بر پایه آنچه ذکر شد، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که عوامل موثر بر تبدیل روستا به شهر در سطح استان گیلان چگونه قابل طبقه‌بندی بوده و برآیند آن چه تاثیراتی بر نظام شهری استان گذاشته‌است؟

۲- مبانی نظری

از نظر مفهومی، تبدیل روستا به شهر به عوامل و فرایندهای مرتبط با بازشناسی سکونتگاه‌های روستایی به‌عنوان شهر اشاره دارد؛ به‌طوری‌که یک سکونتگاه واجد معیارهایی



باشد که بتوان آن را به‌عنوان یک شهر طبقه‌بندی نمود. مطالعه ادبیات نظری موجود نشان می‌دهد که می‌توان به سه دیدگاه در رابطه با این موضوع اشاره نمود. دیدگاه اول، تبدیل روستا به شهر را به‌عنوان یک امر طبیعی در نظر می‌گیرد. در این نگرش چنین استدلال شده که سکونتگاه‌های روستایی مانند سایر پدیده‌های طبیعی فرایند تحول تاریخی خود را طی کرده و در این میان سکونتگاه‌هایی که از ویژگی‌های خاصی برخوردارند، در مسیر تکامل خود تبدیل به شهر می‌شوند (گلی و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۵۴؛ فیروزنیا و همکاران، ۱۳۸۶: ۴). از نظر اقتصادی، می‌توان گفت فرایند طبیعی همان فرایند بازار^۶ است که در آن نیروهای اقتصادی به‌صورت آزادانه منجر به شکل‌گیری و شکل‌دهی به جوامع و سکونتگاه‌های انسانی می‌شوند. در دیدگاه نو سازی^۷ که شهرنشینی را به‌عنوان بخشی از یک فرایند طبیعی در نظر می‌گیرد (Bradshaw & Noonan, 1997: 10)، چنین فرض می‌شود که لازمه تغییر از جامعه سنتی به جامعه مدرن صنعتی، تشویق شهرنشینی است (Njoh, 2003: 168). در کنار ابعاد اقتصادی، افزایش جمعیت همواره به‌عنوان یکی از محرک‌های شهرنشینی شناخته می‌شود (Cohen, 2006: 64) و در این عامل، جمعیت به‌عنوان اصلی‌ترین ویژگی شناخت شهر محسوب می‌شود (Tacoli, 2003: 3; Owusu, 2005: 63؛ زنگنه شهرکی، ۱۳۹۲: ۵۳۵). بنابراین، عامل طبیعی را می‌توان به‌عنوان اولین عامل در تبدیل روستا به شهر معرفی کرد.

برخی محققین از عامل سیاسی به‌عنوان یک عامل اساسی در تبدیل روستا به شهر نام می‌برند. چنین استدلال شده که شناخت نقاط شهری در کشورهای مختلف به‌منظور انجام امور اداری و سیاسی مختلف از جمله توزیع اعتبارات دولتی، تخصیص امکانات و... ضروری است و این سبب می‌شود که دولت‌ها بر اساس شرایط، ضوابط یا قوانین خاصی نسبت به طبقه‌بندی سکونتگاه‌های روستایی به‌عنوان شهر اقدام کنند. بدین‌سان، میزان شهرنشینی در سطح ملی و فرو-ملی^۸، نه بر اساس تعاریف فلسفی از شهر، بلکه بر اساس ضوابط قانونی یا آماری تعریف می‌شود. به‌عنوان نمونه، هندرسون نیمی از افزایش میزان شهرنشینی در چین را ناشی از طبقه‌بندی نواحی روستایی به نقاط شهری می‌داند (Henderson, 2009: 6). علاوه بر این، سود بردن از مزایای تبدیل روستا به شهر در برخی مناطق سبب شده تا دولت‌ها به این امر تمایل نشان

^۶ -Market Process

^۷ -Modernization

^۸ -Sub-National

دهند. مطالعات صورت‌گرفته در زیمبابوه^۹ نشان می‌دهد در جریان برگزاری جام جهانی ۲۰۱۰ دولت سعی کرد تا سیاستی برای معرفی برخی پست‌های مرزی به‌عنوان نقطه شهری دنبال کند تا بتواند از مزایای ناشی از ورود گردشگران بهره‌برده و از مسایل منفی ناشی از آن (نظیر مسایل امنیتی) بکاهد (Munzwa & Wellington, 2010: 120). توماس (۲۰۱۶) نیز نشان می‌دهد مقامات شهر ابرزباخ^{۱۰} در آلمان، سعی کردند تا پس از جنگ جهانی دوم، این دهکده صنعتی را به‌عنوان یک نقطه شهری تعریف کنند تا جایگاه آن در جامعه مدرن آلمان بهبود یابد (Thomas, 2016: 2). می‌توان گفت، تبدیل روستا به شهر با مداخله سیاسی به‌عنوان عامل دیگری در باب این موضوع قابل معرفی است.

ناکارآمدی تغییرات حاصل از عوامل قبلی سبب شده که انتقادات بسیاری از سوی برنامه‌ریزان منطقه‌ای به نحوه تبدیل روستا به شهر وارد شود. مطالعات بسیاری بر این نکته تأکید داشته‌اند که مکان‌یابی و سطح‌بندی فعالیت‌ها، بایستی منطبق با نظام شهری موجود انجام‌گیرد تا با جهت‌دادن به فعالیت‌ها، استقرار خدمات مناسب در کانون‌های شهری تسهیل شود (حاجی پور و زبردست، ۱۳۸۸: ۷). بدین ترتیب، تبدیل روستا به شهر به‌طور طبیعی یا با مداخله سیاسی، لزوماً نمی‌تواند روند قابل قبولی را طی نماید و بنابراین نیازهای منطقه‌ای گاهی تقویت سکونتگاه‌های روستایی به‌عنوان یک نقطه شهری ضرورت می‌یابد. از این منظر، تبدیل روستا به شهر فرآیندی چندوجهی است و جایی اتفاق می‌افتد که دولت‌ها به دنبال اصلاحات اجتماعی طولانی مدت هستند (Knight, 1994: 216). توجه اولیه به اهمیت این امر ابتدا در پژوهش‌های جانسون^{۱۱} (۱۹۷۰) در هند با تأکید بر ایجاد مکان‌های مرکزی برای تکمیل عملکرد شبکه‌های بازاری ظاهر شد و بعد از آن در پژوهش‌های بسیاری از محققان در مورد شهرهای کوچک مورد تأکید قرار گرفته (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۵) و در نظریات آگروپولیتن^{۱۲} (Rondinelli, (Friedmann & Douglass, 1978)، عملکردهای شهری در توسعه روستایی^{۱۳} (Rondinelli, (1983) و استراتژی شبکه منطقه‌ای^{۱۴} (Douglass, 1998) تکمیل شد. بنابراین، رویکرد سومی به موضوع تبدیل روستا به شهر شکل گرفت که به‌عنوان عامل برنامه‌ریزی شده، قابل معرفی است.

^۹ -Zimbabwe

^{۱۰} -Ebersbach

^{۱۱} - Johnson

^{۱۲} -Agropolitan

^{۱۳} -Urban Functions In Rural Development

^{۱۴} - Regional Network Strategy



جدا از عوامل موثر بر تبدیل روستاها به شهر، مهمترین نگرانی از منظر برنامه‌ریزی فضایی، افزایش روزافزون تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر و افزوده شدن این دسته از سکونتگاه‌ها به نظام شهری است که به دگرگونی سازمان فضایی نظام سکونتگاهی منجر می‌گردد (ایزدی خرامه، ۱۳۸۰؛ سرایی و اسکندی، ۱۳۸۶؛ ضیاء توانا و شریفی، فیروزنیا و ربانی، ۱۳۹۲؛ امیر انتخابی، ۱۳۹۴؛ Owusu, 2005; Manta, et al., 2013; Smith, 2014; Wong, 2015; Mitra & Kumar, 2015; Wu, 2016). با توجه به این مسئله، ضرورت آسیب‌شناسی پیامدهای ناشی از تبدیل روستا به شهر به‌عنوان یکی از ضروریات برنامه‌ریزی فضایی مورد توجه قرار می‌گیرد. بر این اساس، می‌توان گفت، به دلیل وارد شدن شمار زیادی از سکونتگاه‌های روستایی در فرایند تبدیل به نقاط شهری و پیامدهای ناشی از آن، نیاز به گونه‌بندی عوامل موثر بر تبدیل روستا به شهر و نیز شناخت تأثیرات این امر بر تغییر سازمان فضایی ملی-منطقه‌ای به‌منظور آرایه راهبردهای مطلوب برای نیل به تعادل فضایی احساس می‌شود.

۳- چارچوب نظری و روش تحقیق

همانگونه که بیان شد، تبدیل روستا به شهر به شرایط و عواملی اشاره دارد که طی آن یک یا چند سکونتگاه روستایی در قالب یک شهر شناخته می‌شوند. به‌منظور تحلیل نحوه طبقه‌بندی شهرهای پدیدآمده در قالب عوامل گفته شده، از سه شیوه بهره گرفته شده است. عاملی طبیعی تبدیل روستا به شهر، اساساً به تغییر میزان جمعیت^{۱۵}، کارکردها^{۱۶} و نيمرخ اقتصادی^{۱۷} سکونتگاه توجه دارد. اما از آنجایی که دستیابی به اطلاعات مربوط به کارکردها و ویژگی‌های اقتصادی به سهولت ممکن نیست، برای طبقه‌بندی شهرها در این عامل، از میزان جمعیت سکونتگاه در زمان تبدیل به شهر استفاده می‌شود. گرچه توافق مشخصی روی میزان جمعیت وجود ندارد، اما مطالعات بسیاری بر میزان ۵۰۰۰ نفر به‌عنوان ملاک طبیعی شناخت روستا به شهر تاکید کرده‌اند (ایزدی خرامه، ۱۳۸۰؛ گلی و عسگری، ۱۳۸۳؛ سرایی و اسکندی، ۱۳۸۶؛ Tacoli, 2003; Owusu, 2005; Manta, et al., 2013; Mitra & Kumar, 2015). که در این پژوهش نیز همین میزان، ملاک عمل قرار می‌گیرد. برای بررسی ملاک‌های مرتبط با عامل سیاسی، سه جنبه بررسی شده‌اند: برخورداری از شهرداری پیش از شناخته شدن به‌عنوان شهر

¹⁵ -Population Size

¹⁶ -Functions

¹⁷ -Economic Profile

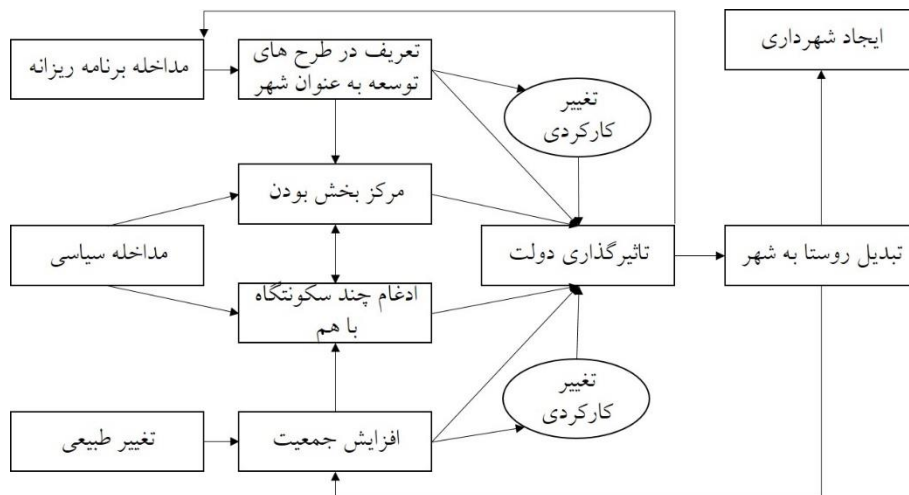
در سرشماری‌ها، مرکزیت سیاسی در سطح مرکز بخش یا بالاتر پیش از تبدیل به شهر، و تجمع با سکونتگاه‌های دیگر به‌منظور تبدیل به شهر.

جدول ۱ عوامل موثر بر تبدیل روستا به شهر و ملاک‌های طبقه‌بندی مربوط به هر کدام

عامل	ملاک	نحوه شناسایی	نحوه جمع‌آوری داده
طبیعی	افزایش جمعیت	سکونتگاه‌های با جمعیت بیش از ۵۰۰۰ نفر	داده‌های حاصل از سرشماری‌ها
		تجمع چند روستا برای ایجاد یک شهر	
		مراکز بخش با جمعیت کمتر از ۵۰۰۰ نفر	
سیاسی	عملکرد اداری-سیاسی	داشتن شهرداری پیش از رسیدن به حد جمعیتی ۵۰۰۰ نفر	
برنامه‌ریزانه	تعریف در نظام سکونتگاهی	مشخص شدن در طرح‌های توسعه برای تبدیل به شهر	تحلیل محتوای طرح‌های توسعه

منبع: یافته‌های پژوهش

برای شناخت تغییرات مرتبط با عامل برنامه‌ریزانه، می‌توان به طرح‌های توسعه مناطق مختلف استناد کرد. متناسب با اهداف پژوهش هفت طرح مورد بررسی قرار گرفته‌اند که عبارتند از: طرح کالبدی منطقه ساحلی شمال (۱۳۸۸)، طرح توسعه و عمران ناحیه شرق (۱۳۸۹)، طرح توسعه و عمران ناحیه مرکز (۱۳۹۱)، طرح توسعه و عمران ناحیه غرب (۱۳۹۱)، طرح مجموعه شهری رشت (۱۳۹۱)، مطالعات آمایش استان گیلان (۱۳۹۶) و مطالعه صورت‌گرفته توسط دکتر عسگری (۱۳۹۱) برای بنیاد مسکن.



شکل ۱ مدل مفهومی عوامل موثر بر تبدیل روستا به شهر

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به سئوالات پژوهش، پس از مشخص نمودن عوامل موثر بر تبدیل روستا به شهر در استان گیلان، تاثیر اینگونه شهرها بر تغییر نظام شهری استان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. مهمترین شاخص‌هایی که برای تحلیل نظام شهری به کار می‌روند را می‌توان در قالب دو دسته شاخص‌های نخست‌شهری^{۱۸} و سنجش تعادل-تمرکز دسته‌بندی نمود. برای بررسی اینکه آیا اثرات سیاست‌های اتخاذ شده منجر به ایجاد تعادل یا عدم تمرکز فضایی شده، غالباً از شاخص‌های انتروپی^{۱۹}، هرفیندال^{۲۰}، هندرسون^{۲۱} و قاعده رتبه-اندازه^{۲۲} استفاده می‌شود. زیپف^{۲۳} (۱۹۴۱) با ارائه قاعده رتبه-اندازه به جای توجه به یک یا چند شهر، بر اهمیت تحلیل کل نظام شهری تاکید نمود. از نظر زیپف، در یک نظام همگن اجتماعی-اقتصادی، توزیع شهرها براساس رابطه مشخصی میان رتبه و اندازه آنها شکل می‌گیرد (زبردست، ۱۳۸۶: ۳۱). علاوه بر این، توزیع نرمال (لگاریتمی)

^{۱۸} -Urban Primacy Index

^{۱۹} -Entropy

^{۲۰} -Herfindhal

^{۲۱} -Henderson

^{۲۲} -Rank-size Rule

^{۲۳} -Zipf

رتبه-اندازه کانون‌های شهری به‌عنوان یک وضعیت ایده‌آل در رابطه با نظام شهری تلقی می‌شود و از آن می‌توان به‌مثابه یک مدل تحلیلی پایه برای مقایسه سود برد (حاجی پور و زبردست، ۱۳۸۴: ۷). به‌منظور تحلیل تاثیرات عوامل ذکرشده بر نظام شهری، ارتباط میان جایگاه شهرها از لحاظ جمعیت و عامل موثر بر تبدیل به شهر با استفاده از آزمون آماری مناسب مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول ۲ شاخص‌های سنجش نخست‌شهری، تمرکز و تعادل شهری

شاخص	رابطه	عناصر رابطه	تحلیل
نخست‌شهری	$UPI = \frac{P_1}{P}$	P1: جمعیت بزرگترین شهر P: کل جمعیت نظام شهری	هرچه مقدار عددی شاخص بیشتر باشد، شهر اول دارای میزان نخست شهری بالاتری است. از نظر عددی به مبنای مشخصی اشاره نمی‌کند.
شاخص هرفیندال	$Hi = \sum_{i=1}^n \left(\frac{P_i}{P}\right)^2$	Pi: جمعیت شهر i P: کل جمعیت نظام شهری	برای تبیین میزان تمرکز نظام شهری به کار می‌رود. هر چه مقدار عددی شاخص هرفیندال بیشتر باشد، میزان تمرکز بیشتری را نشان می‌دهد.
شاخص هندرسون	$UD = \left[\sum_{i=1}^n \left(\frac{P_i}{P}\right)^2 \right]^{-1}$	مشابه رابطه بالا	برای تبیین میزان تمرکز نظام شهری به کار می‌رود. با افزایش شاخص هندرسون، تمرکز کاهش می‌یابد.
شاخص انترویی	$H = - \sum_{i=1}^n P_i * L_n P_i$	مشابه رابطه بالا	برای تبیین میزان تعادل نظام شهری به کار می‌رود. هرچه میزان شاخص بیشتر شود، توزیع به سوی تعادل حرکت می‌کند.
رتبه-اندازه	$P_r = \frac{P_1}{R^b}$	P1: جمعیت بزرگترین شهر R: رتبه شهر مورد نظر	برای تبیین میزان تعادل نظام شهری به کار می‌رود. هرچه توزیع نظام شهری با این قاعده انطباق بیشتری داشته‌باشد، توزیع متعادل تر است.

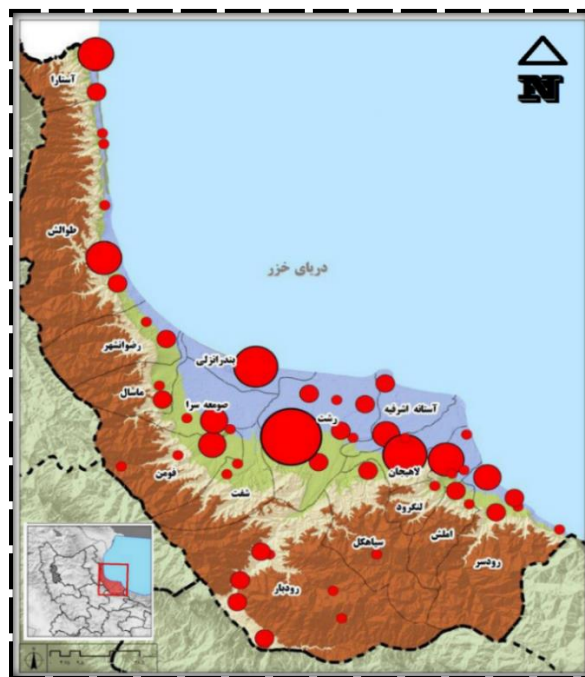
منبع: زبردست، ۱۳۸۶: ۳۱؛ نقوایی و موسوی، ۱۳۸۸: ۲۸

با توجه به چارچوب فوق از بعد ماهیت تحقیق، این پژوهش را می‌توان ازجمله پژوهش‌های استقرایی-قیاسی^{۲۴} دانست. روش به‌کار گرفته‌شده در این پژوهش، توصیفی-آرزیابی و روش گردآوری داده‌ها به‌صورت اسنادی و کتابخانه‌ای است. به‌منظور نیل به هدف مورد نظر، از نتایج سرشماری‌های سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ و شناسنامه آبادی‌های استان در دوره‌های زمانی مختلف و اطلاعات ارایه شده توسط دفتر تقسیمات کشوری استان گیلان بهره گرفته‌شده‌است.

۴- ناحیه مورد مطالعه

^{۲۴} -Inductive-Deductive

استان گیلان از شمال به دریای خزر و کشور جمهوری آذربایجان، از غرب به استان اردبیل، از جنوب به استان‌های زنجان و قزوین، و از شرق به استان مازندران محدود می‌گردد. این استان به ۱۶ شهرستان تقسیم شده که شهرستان رودبار در جنوب استان با مساحت بالغ بر ۲۵۰۸ کیلومترمربع بزرگترین و املش در شرق با مساحت ۴۰۶ کیلومترمربع کوچکترین شهرستان‌های استان هستند. از نظر تاریخی، گیلان از دیرباز با کشورهای حاشیه دریای خزر در ارتباط بوده و به‌عنوان راه ارتباطی اروپا شناخته می‌شده‌است. گیلان از نظر تراکم نسبی جمعیت، پس از استان تهران مقام دوم را دارد که به‌دلیل فشردگی نقاط سکونتی در پهنه استان رخ داده‌است.



شکل ۲ نقشه پراکنش نقاط شهری در استان گیلان براساس سرشماری سال ۱۳۹۵

منبع: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان، ۱۳۹۶

۵- عوامل موثر بر تبدیل روستا به شهر در استان گیلان

در این بخش، در ارتباط با سوال اول پژوهش، تغییرات شکل گرفته در نظام شهری استان در رابطه با سه عامل تغییرات طبیعی^{۲۵}، مداخله سیاسی^{۲۶} و مداخله برنامه‌ریزانه^{۲۷} و به‌منظور شناخت عامل غالب در تبدیل روستا به شهر مورد بررسی قرار می‌گیرند.

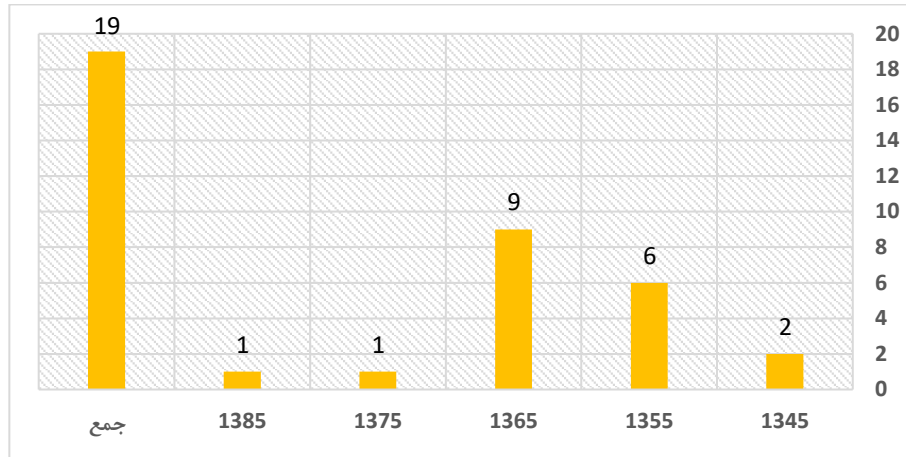
۵-۱- نقش عامل طبیعی در تبدیل روستا به شهر

از نظر تغییرات طبیعی، در سال ۱۳۳۵ هشتیر تنها نقطه شهری بود که با ویژگی‌های تعریف شده از شهر در آن سرشماری انطباق نداشت و ۹ نقطه دیگر که به‌عنوان شهر معرفی شده‌اند، دارای شهرداری و جمعیت بیش از ۵۰۰۰ نفر بوده‌اند که می‌توان از آنها به‌عنوان شهرهای تاریخی منطقه نام برد. در دوره ۱۳۳۵-۱۳۴۵، شهرهای بندرکیاشهر، املش و رودبار به نظام شهری افزوده شدند که تنها رودبار جمعیتی کمتر از ۵۰۰۰ نفر داشت. طی دهه ۱۳۴۵-۱۳۵۵ شش نقطه چابکسر، سیاهکل، کلاچای، لشت‌نشا، ماسال و منجیل به‌عنوان شهر شناخته شدند که همگی بیش از ۵۰۰۰ نفر جمعیت داشتند. بین سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۶۵، مجموعاً ۱۲ نقطه به شهر تبدیل شدند که به‌علت مطرح شدن ملاک داشتن شهرداری برای شناخت شهر، ۳ نقطه شهری ماسوله، پره‌سر و شفت به‌رغم داشتن جمعیت کمتر از ۵۰۰۰ نفر، شهر محسوب گردیدند. در دهه ۱۳۶۵-۱۳۷۵ نیز ۴ نقطه رستم‌آباد، جیرنده، سلمان و مرجعل (تولم‌شهر) به شهر تبدیل شدند که هیچکدام به تنهایی دارای ۵۰۰۰ نفر جمعیت نبودند. در دهه ۱۳۷۵-۱۳۸۵، بیشترین میزان تبدیل روستا به شهر رخ داد، به‌طوری‌که تعداد شهرها از ۳۵ شهر به ۴۹ شهر افزایش یافت که از میان ۱۴ شهر جدید، تنها یک نقطه (لوندویل) جمعیتی بیش از ۵۰۰۰ نفر داشت. در سرشماری سال ۱۳۹۰، دو شهر لولمان و چاف و چمخاله به‌عنوان نقطه شهری معرفی شدند که به ترتیب ۳۵۵۸ و ۴۴۹۴ نفر جمعیت داشتند. طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۵، شهر ماکلوان به نظام شهری استان افزوده شد که تنها ۱۶۳۵ نفر جمعیت داشت. می‌توان مشاهده کرد از میان ۵۲ شهر استان، ۹ شهر به‌عنوان شهرهای اولیه یا شهرهای تاریخی، و ۱۹ شهر براساس عامل طبیعی یعنی افزایش جمعیت به نظام شهری اضافه شده‌اند.

^{۲۵} -Natural Changes

^{۲۶} -Political Intervention

^{۲۷} -Planning Intervention



شکل ۳ نمودار شهرهای پدیدآمده براساس ملاک رشد جمعیت در دوره‌های مختلف سرشماری
منبع: یافته‌های پژوهش

۲-۵- نقش عامل سیاسی در تبدیل روستا به شهر

در خصوص تقسیم‌بندی شمار شهرها تا پیش از انقلاب اسلامی، از نظر تقسیمات کشوری و اطلاعات حاصل از سرشماری‌ها تفاوت‌هایی دیده می‌شود. از نظر قوانین تقسیمات کشوری، تا قبل از سال ۱۳۱۰ تعداد ۱۱ شهر (دارای شهرداری) در استان گیلان وجود داشتند که تا سال ۱۳۳۰ به ۱۷ مورد رسید و در فاصله زمانی ۱۳۳۱ تا ۱۳۵۰ به ۲۹ شهر افزایش یافت. علاوه بر این، تمام این شهرها پیش از اینکه در سرشماری‌ها به‌عنوان شهر محسوب شوند، دارای شهرداری بودند. پس از انقلاب، با انطباق مفهوم شهر در سرشماری‌ها و قوانین اداری، تعداد شهرها به ۳۵ شهر در سال ۱۳۷۵ و نهایتاً ۵۲ شهر در سال ۱۳۹۱ رسید.

در سال ۱۳۶۵ از ۱۲ نقطه تبدیل شده به شهر، به‌جز شهر لوشان که شهرداری آن در سال ۱۳۶۲ تاسیس شده‌است، سایر شهرهای اضافه شده به نظام شهری در این سرشماری، پیش از انقلاب دارای شهرداری بودند و سه نقطه دیگر نیز جمعیتی کمتر از ۵۰۰۰ نفر داشته‌اند. در سال ۱۳۷۵، از میان ۴ شهر اضافه‌شده به نظام شهری، دو شهر حاصل ادغام چند سکونتگاه و دو شهر مرکز بخش بوده‌اند که از نظر جمعیتی یک شهر (جیرنده) جمعیتی کمتر از ۵۰۰۰ نفر داشته است. در سال ۱۳۸۵، از میان ۱۴ شهر جدید، ۱۲ نقطه پیش از تبدیل به شهر مرکز بخش بوده‌اند که یکی از دلایل اصلی این امر، تغییر در قوانین تقسیمات کشوری از جمله قانون تبدیل یکصد روستای مرکز بخش به شهر (مصوب خرداد ۱۳۷۹) بود. برخلاف رویه قبلی، بین دهه ۱۳۸۵-

۱۳۹۵ دو سرشماری برگزار شد که در سرشماری ۱۳۹۰، دو شهر که هر دو از تجمیع چند سکونتگاه روستایی ایجاد شده بودند (لولمان در شهرستان رشت و چاف و چمخاله در شهرستان لنگرود) به نظام شهری افزوده شدند. در سال ۱۳۹۱، ماکلوان که پیش از این مرکز بخش بود، با تجمیع دو روستا به‌عنوان یک شهر به نظام شهری افزوده شد. از میان ۲۲ شهری که پس از انقلاب به نظام شهری افزوده شده‌اند، ۱۵ شهر براساس قاعده مرکز بخش شکل گرفته‌اند که ۶۸٫۲ درصد از شهرها را شامل می‌شود. مشاهده می‌شود که قاعده سیاسی به‌عنوان عامل اصلی در تبدیل روستا به شهر پس از انقلاب اسلامی قابل شناسایی است.

جدول ۳ طبقه‌بندی شهرهای گیلان براساس نقش عامل سیاسی در تبدیل آنها به شهر

فرآوانی	نام شهرها (دوره سرشماری)	ویژگی‌ها
۲	رستم آباد- شلمان (۱۳۷۵)	غیرمرکز بخش تجمیع شده دارای بیش از ۵۰۰۰ نفر جمعیت
۷	چیرنده (۱۳۷۵) گوراب زرمیخ- لیسار- احمد سرگوراب- توتکابن- بره‌سر عمارلو- اطاقور (۱۳۸۵)	مرکز بخش با کمتر از ۵۰۰۰ نفر جمعیت
۶	بازار جمعه- رودبنه- اسالم- دیلمان- رانکوه (۱۳۸۵) ماکلوان (۱۳۹۵)	مرکز بخش با کمتر از ۵۰۰۰ نفر جمعیت تجمیع شده
۵	هشتپر (۱۳۳۵) رودبار (۱۳۴۵) پره‌سر- شفت- ماسوله (۱۳۶۵)	غیرمرکز بخش با کمتر از ۵۰۰۰ نفر جمعیت
۴	حویق- چوبر (۱۳۸۵) لولمان- چاف و چمخاله (۱۳۹۰)	غیرمرکز بخش با کمتر از ۵۰۰۰ نفر جمعیت

منبع: یافته‌های پژوهش

۳-۵- نقش عامل برنامه ریزانه در تبدیل روستا به شهر

از بعد برنامه‌ریزانه باید گفت تا قبل از تهیه طرح‌های منطقه‌ای و ناحیه‌ای، هیچ مداخله برنامه ریزانه‌ای در تبدیل روستا به شهر در استان پیش‌بینی نشده بود. طبق طرح کالبدی منطقه ساحلی شمال (۱۳۷۸)، تراکم جمعیت این منطقه بسیار زیاد بوده و برای تکمیل شبکه شهری، نیازی به ایجاد شهر جدید نبود. با این حال، ممکن است برای تمرکززدایی از شهرهای بزرگ، تامین زمین برای مسکن اجتماعی، توسعه ناپیوسته شهرها برای جلوگیری از تخریب زمین‌های حاصلخیز، ایجاد شهرهای تخصصی و... نیاز به ایجاد شهر جدید باشد (مهندسين مشاور نقش جهان پارس، ۱۳۹۱: ۴۲) که این امر در قالب تبدیل روستا به شهر در نواحی مستعد قابل پیشنهاد است. با این همه، در طرح مذکور به این امر به‌صورت کلی اشاره شده و دارای راهبردها و سیاست‌های مشخصی نیست. در این طرح، تنها رسیدن به حد ۵۰۰۰ نفر به‌عنوان ملاک شناخت شهر در



استان مورد تاکید قرار گرفته است که این امر در هیچ کدام از دوره‌های سرشماری پس از تهیه طرح مشاهده نمی‌شود. طبق طرح ناحیه‌ای مرکز گیلان (۱۳۹۱)، صرفاً روستای سراوان به شرط رسیدن به حدنصاب جمعیتی، دارای قابلیت تبدیل به شهر شناخته شده است (مهندسین مشاور ایران آمایش، ۱۳۹۱b). در طرح ناحیه‌ای غرب استان، پیش‌بینی شده که آبادی‌های خرگیل، گیلانده به همراه خلیف‌آباد از بخش اسالم و لکه محله از بخش حویق در شهرستان تالش و اردجان از بخش پره‌سر شهرستان رضوانشهر، قابلیت تبدیل به شهر را دارند (همان، ۱۳۹۱a)، که از این میان تاکنون شهری به نظام شهری استان افزوده نشده است. در مطالعات صورت‌گرفته توسط عسگری (۱۳۹۱) برای بنیاد مسکن کشور، ۴ آبادی اردجان در شهرستان رضوانشهر، بازکیاگوراب و سوسان در شهرستان لاهیجان و سراوان در شهرستان رشت به‌عنوان روستاهای با جمعیت بیش از ۴۰۰۰ نفر و مستعد تبدیل به شهر شناخته شده‌اند که آبادی سوسان به دلیل ادغام در شهر لاهیجان از این معادله خارج شده است. مشاهده می‌شود که روند تبدیل روستا به شهر از بعد برنامه‌ریزانه با آنچه که در عمل رخ داده است، همخوانی نداشته و تمامی شهرهای کنونی استان گیلان پیش از تهیه طرح‌های مورد بحث شکل گرفته‌اند. بر این اساس، می‌توان گفت که طرح‌های توسعه موجود تاثیری بر روند تبدیل روستا به شهر در استان گیلان نداشته‌اند.

۶- طبقه‌بندی عوامل موثر بر تبدیل روستا به شهر

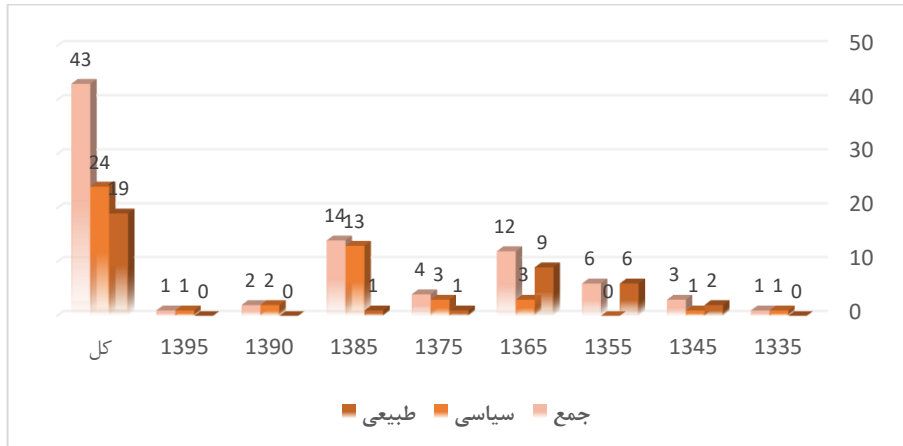
در جمع‌بندی عوامل موثر بر تبدیل روستا به شهر در استان گیلان، می‌توان گفت که در دو دوره سرشماری پیش از انقلاب (به‌جز سرشماری سال ۱۳۳۵)، تمام شهرها پیش از اینکه در سرشماری‌ها به‌عنوان شهر محسوب شوند، دارای شهرداری بودند. بر این اساس، پیش از انقلاب اسلامی، عامل سیاسی در شناخت شهر بر عامل طبیعی (دارا بودن جمعیت بیش از ۵۰۰۰ نفر که در سرشماری نیز مورد تاکید بوده است) تقدم داشته است. پس از انقلاب اسلامی، سعی گردید تا میان تعریف نقاط شهری در سرشماری‌ها و نظام اداری انطباق به‌وجود آید. بررسی آماری شهرها بر اساس ملاک‌های مطرح شده، نشان می‌دهد که ۱۹ شهر به‌صورت طبیعی و ۲۴ شهر بر اثر مداخله سیاسی پدیدآمده‌اند که در این میان، سکونتگاه‌هایی که مرکز بخش بوده‌اند و کمتر از ۵۰۰۰ نفر جمعیت داشته‌اند، بیشترین تعداد را در میان شهرهایی که بر اثر مداخله سیاسی به شهر تبدیل شده‌اند، دارا هستند.

جدول ۴ طبقه‌بندی شهرهای جدید گیلان براساس ویژگی‌های موثر بر تبدیل آنها به شهر

فرآوانی	نام شهرها (دوره سرشماری)	ویژگی
۱۹	بندرکیاشهر-املش (۱۳۴۵) کلاچای-ماسال-منجیل-سیاهکل-چابکسر-لشت‌نشا (۱۳۵۵) لوشان-خمام-کوچصفهان-رحیم‌آباد-رضوانشهر-خشکیجار-سنگر-واجارگاه-کومله (۱۳۶۵) مرجفل (۱۳۷۵) لوندویل (۱۳۸۵)	سکونتگاه‌های با ۵۰۰۰ نفر جمعیت
۱۳	جیرنده (۱۳۷۵) گوراب‌زرمیخ-لیسار-احمدسرگوراب-توتکابن-بره‌سر-اطاقور (۱۳۸۵) بازارجمعه-رودبنه-اسالم-دیلمان-راتکوه (۱۳۸۵) ماکلوان (۱۳۹۵)	مرکز بخش
۱۱	هشتپر (۱۳۳۵) رودبار (۱۳۴۵) پره‌سر-شفت-ماسوله (۱۳۶۵) رستم‌آباد-شلمان (۱۳۷۵) حویق-چوبر (۱۳۸۵) لولمان-چاف و چمخاله (۱۳۹۰)	غیر مرکز بخش

منبع: یافته‌های پژوهش

میانگین جمعیت نقاط تبدیل شده به شهر در دوره‌های مختلف سرشماری گویای این واقعیت است که اغلب نقاط تبدیل شده به شهر کم جمعیت بوده‌اند؛ به طوری که میانگین جمعیت شهرهای به وجود آمده طی شش دهه اخیر ۴۷۱۴ نفر بوده که از حد مطلوب (۵۰۰۰ نفر) کمتر می‌باشد. شهرهایی نظیر توتکابن، بره‌سر، اطاقور، چوبر و... که کمتر از ۲۰۰۰ نفر جمعیت دارند از نقاطی هستند که تنها با ظواهر کالبدی شهری محسوب می‌شوند و همگی پس از انقلاب به نظام شهری استان افزوده شده‌اند. علاوه بر این، ۱۰ شهر، جمعیتی کمتر از ۳۵۰۰ نفر دارند که از میزان جمعیت اعلام شده طبق مصوبه سال ۱۳۸۹ دولت برای شناخت شهر (۳۵۰۰ نفر) کمتر می‌باشد. این امر بر غالب بودن مداخله سیاسی در تبدیل روستا به شهر در استان گیلان صحنه می‌گذارد. بر اساس اطلاعات شکل ۳ و ۴ مشاهده می‌شود که روند رشد طبیعی شهرها تا سال ۱۳۶۵ افزایشی بوده و پس از آن سیر نزولی می‌یابد. این در حالی است که روند تبدیل روستا به شهر بر اساس مداخله سیاسی تا سال ۱۳۸۵ افزایشی بوده و پس از آن کاهش می‌یابد.



شکل ۴ طبقه‌بندی عوامل موثر بر تبدیل روستا به شهر در دوره‌های مختلف سرشماری
منبع: یافته‌های پژوهش

۷- طبقه‌بندی عوامل موثر بر تبدیل روستا به شهر

دومین سؤال پژوهش حاضر به تغییرات حاصل از افزوده شدن شهرهای جدید به نظام شهری استان گیلان توجه دارد. بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵، شهرستان رشت با داشتن ۷ نقطه شهری، بیشترین تعداد شهر و میزان جمعیت شهرنشین را در خود جای داده و در مقابل شهرستان شفت با داشتن تنها دو نقطه شهری (شفت و احمدسرگوراب)، کمترین تعداد نقطه شهری و میزان جمعیت شهرنشین در بین شهرستانهای استان را دارد. تنها دو شهر پرجمعیت رشت و بندرانزلی هستند که اندازه جمعیتی بالای آنها را می‌توان متأثر از خصایصی مانند عملکرد اداری-سیاسی این شهرها، مرکزیت تجاری و بازرگانی، برخورداری از خدمات برتر و امکانات شغلی و اقتصادی بهتر دانست. بررسی تعداد و جمعیت شهرها در استان نشان می‌دهد که یک روند افزایشی در تعداد شهرهای با جمعیت ۱۰ تا ۱۰۰ هزار نفر از سال ۱۳۴۵ تا سال ۱۳۹۵ مشاهده می‌شود. شهرهای کمتر از ۲۵ هزار نفر همواره بیشترین تعداد شهرها را در تمام دوره‌های سرشماری به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۵ تاثیر تبدیل روستا به شهر در نظام شهری استان گیلان طبق داده‌های سرشماری‌های ۱۳۹۵-۱۳۳۵ (جمعیت به هزار نفر)

سال	تعداد شهرها	جمعیت شهرنشین	دوره	شهرهای جدید	افزایش جمعیت شهری	جمعیت نقاط	میانگین جمعیت نقاط	سهم نقاط در افزایش جمعیت شهری
۱۳۳۵	۱۰	۲۱۸۱۱۲	-	-	-	-	-	-
۱۳۴۵	۱۳	۳۰۳۶۷۶	۱۳۳۵-۱۳۴۵	۳	۸۵۵۶۴	۱۶۰۲۲	۵۳۴۱	۱۸.۷
۱۳۵۵	۱۹	۴۶۱۳۵۵	۱۳۴۵-۱۳۵۵	۶	۱۵۷۶۷۹	۴۳۴۴۹	۷۲۴۲	۲۷.۵
۱۳۶۵	۳۱	۷۸۴۱۷۳	۱۳۵۵-۱۳۶۵	۱۲	۳۲۲۸۱۸	۶۹۵۲۳	۵۷۹۴	۲۱.۵
۱۳۷۵	۳۵	۱۰۴۹۸۶۷	۱۳۶۵-۱۳۷۵	۴	۲۶۵۶۹۴	۲۵۲۸۷	۶۳۲۲	۹.۵
۱۳۸۵	۴۹	۱۲۹۹۱۷۲	۱۳۷۵-۱۳۸۵	۱۴	۲۴۹۳۰۵	۳۶۳۸۸	۲۵۹۹	۱۴.۶
۱۳۹۰	۵۱	۱۴۹۷۵۹۶	۱۳۸۵-۱۳۹۰	۲	۱۹۸۴۲۴	۷۷۰۷	۳۸۵۳	۳.۹
۱۳۹۵	۵۲	۱۶۰۳۰۲۶	۱۳۹۰-۱۳۹۵	۱	۱۰۵۴۳۰	۱۶۳۵	۱۶۳۵	۱.۵

منبع: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان، ۱۳۹۶

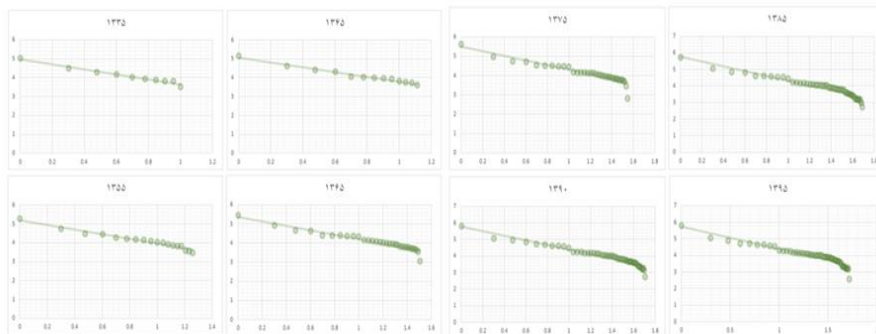
سنجش وضعیت نخست‌شهری استان نشان می‌دهد که طی دوره ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ به‌صورت جزئی از تسلط شهر رشت به‌عنوان نخست‌شهر کاسته شده، اما از دهه ۱۳۷۵ به بعد تمرکزگرایی شدیدی در استان رخ داده‌است. ارزیابی شاخص هرفیندال در چهار دهه اول، نوعی روند کاهش را نشان می‌دهد. گرچه این شاخص از دهه ۱۳۷۵ به تدریج روند افزایشی پیدا کرده است، با این حال طی دهه اخیر این شاخص نیز مجدداً روند کاهش نشان می‌دهد. شاخص هندرسون نیز تا سال ۱۳۶۵ روند افزایشی داشته و پس از آن روند کاهش-افزایش تدریجی نشان می‌دهد. میزان انتروپی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ افزایش و پس از یک دوره کاهش، مجدداً روند افزایشی را شروع کرده‌است. با این حال، این افزایش به‌نحوی بسیار کند پیش رفته و همانند شاخص‌های نخست شهری قابل تفسیر است. در نتیجه می‌توان گفت که وجود نخست‌شهری در استان گیلان غیرقابل انکار بوده و طی دهه‌های اخیر بر میزان آن افزوده شده‌است. چنین شرایطی نشان می‌دهد که کم‌کم شهر رشت به‌عنوان شهر مسلط در منطقه در راس نظام شهری حضور دارد.

جدول ۶ میزان شاخص‌های تمرکز شهری و نخست‌شهری در استان گیلان طی دوره ۱۳۳۵-۱۳۹۵

سال	هرفیندال	هندرسون	انترویی	اول به دوم	نخست شهری
۱۳۳۵	۰,۲۹۲۴۱	۳,۴۱۹۸۵	۱,۶۸۶۰۰	۳,۴۹۲۶۵	۰,۵۰۱۹۹
۱۳۴۵	۰,۲۶۱۱۱	۳,۸۲۹۸۰	۱,۸۶۸۵۷	۳,۴۲۸۲۳	۰,۴۷۲۷۳
۱۳۵۵	۰,۱۹۹۵۶	۵,۰۱۱۰۲	۲,۲۳۹۷۴	۳,۴۰۵۸۰	۰,۴۰۹۵۷
۱۳۶۵	۰,۱۶۴۸۳	۶,۰۶۶۸۵	۲,۱۹۳۷۹	۳,۳۴۱۲۲	۰,۳۷۰۹۶
۱۳۷۵	۰,۱۸۰۵۵	۵,۵۳۸۵۲	۲,۵۵۶۲۹	۴,۳۳۹۵۷	۰,۳۹۷۹۴
۱۳۸۵	۰,۲۰۳۴۷	۴,۹۱۴۸۴	۲,۵۳۴۱۳	۵,۰۳۷۵۲	۰,۴۲۹۰۲
۱۳۹۰	۰,۲۰۱۴۸	۴,۹۶۳۲۱	۲,۵۶۴۲۹	۵,۴۸۵۴۲	۰,۴۲۷۳۲
۱۳۹۵	۰,۱۹۸۳۸	۵,۰۴۰۸۳	۲,۵۸۶۹۰	۵,۷۳۵۲۶	۰,۴۲۴۱۹

منبع: یافته‌های پژوهش

به‌منظور تشخیص نقش شهرهای کوچک در سازمان فضایی استان، توزیع لگاریتمی و سلسله مراتبی شهرها مورد بررسی قرار گرفت. بررسی نظام شهری گیلان طی ۵۰ سال اخیر نشان می‌دهد که علی‌رغم افزایش تعداد شهرها از ۱۰ شهر در سال ۱۳۳۵ به ۵۲ شهر در سال ۱۳۹۵ و پیدایش انواع شهرهای کوچک، میانی، بزرگ و کلانشهر، نظام شهری استان فاقد هماهنگی در ساختار، کارکرد و سلسله‌مراتب شهری است.



شکل ۵ نمودار روند تغییرات لگاریتمی‌رتبه-اندازه نظام شهری در استان گیلان طی دوره ۱۳۳۵-۱۳۹۵

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از تحلیل رتبه اندازه نیز نشان می‌دهد که در تمام دوره‌ها عدم تعادل در شیب خط رگرسیونی مشهود بوده که این نشان از عدم تعادل در سلسله‌مراتب شهری دارد. از این میان، تنها شهر رشت به‌عنوان مرکز استان نیازمند کاهش جمعیت و تمرکززدایی است و بقیه شهرهای

استان دچار کمبود جمعیت هستند. معادله خط برای سال‌های مورد بررسی به صورت ذیل محاسبه شده‌است:

جدول ۷ معادله خط رگرسیونی رتبه-اندازه در دوره‌های مختلف سرشماری

متغیر وابسته	معادله خط	R ²	متغیر وابسته	معادله خط	R ²
Y1335 =	-1/3296x + 4/9701	R ² = 0.973	Y1375 =	-1/1999x + 5/5064	R ² = 0.877
Y1345 =	-1/2645x + 5/0616	R ² = 0.980	Y1385 =	-1/4495x + 5/783	R ² = 0.912
Y1355 =	-1.1129x + 5.1321	R ² = 0.978	Y1390 =	-1/3856x + 5/785	R ² = 0.927
Y1365 =	-1.1559x + 5.3658	R ² = 0.919	Y1395 =	-1.3601x + 5.7943	R ² = 0.937

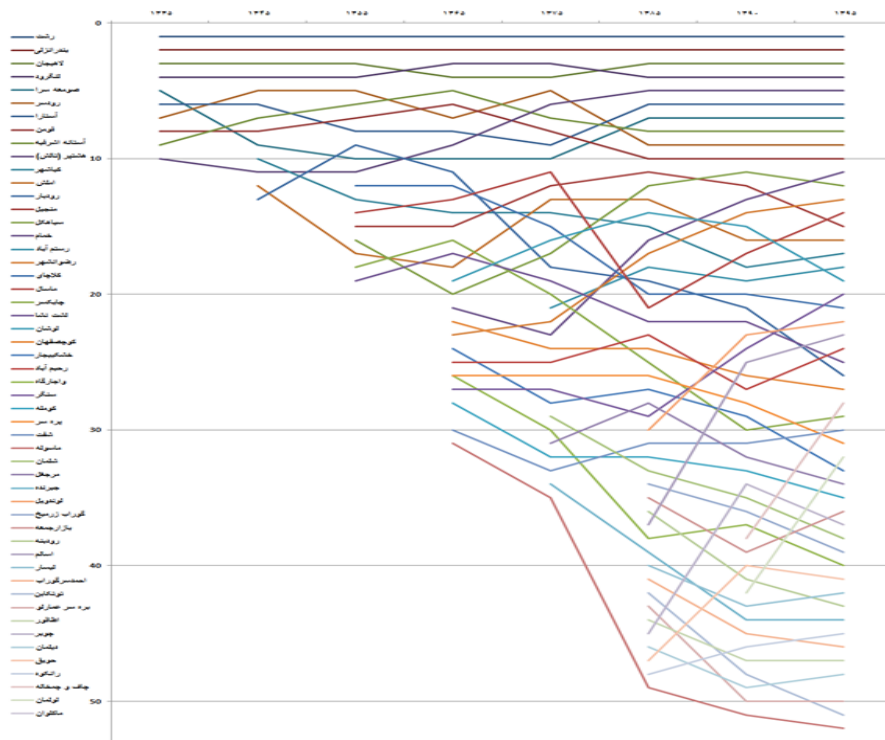
منبع: یافته‌های پژوهش

ارزیابی شاخص‌های نخست‌شهری در استان گیلان نشان می‌دهد گرچه شاخص‌های فوق به سمت رسیدن به یک میزان پایدار حرکت می‌کنند، اما شکاف میان شهر اول با کل نظام شهری به حدی است که این پایداری، امری نامطلوب تلقی شده و باید در جهت کاهش این شکاف اقدامات لازم صورت‌گیرد. نتایج به‌دست آمده از شاخص‌های مختلف سنجش نخست‌شهری، تعادل و تمرکز شهری نیز با این برداشت هماهنگ بوده و روند مشابهی را از نظر تحولات در محدوده موردنظر نشان می‌دهد. علاوه‌بر نخست‌شهری، شمار زیاد شهرهای با جمعیت کمتر از ۱۰ هزار نفر در دوره‌های اخیر سرشماری و میانگین جمعیتی اندک نقاط روستایی تبدیل شده به شهر در دوره‌های مختلف، گویای این واقعیت است که تبدیل روستا به شهر نتوانسته است تاثیر مطلوبی بر کل نظام شهری و غلبه نخست‌شهری در استان داشته‌باشد. بنابراین، می‌توان گفت که عدم تعادل در نظام شهری استان، علاوه‌بر اینکه ناشی از بزرگ‌سری شهر رشت به‌عنوان مرکز استان است، ناشی از کمبود جمعیت و تعدد شهرهای کوچک و روند شتابان تبدیل روستا به شهر در چهار دهه اخیر بوده‌است.

۸- رشد و افول شهرها

بر اساس عوامل موثر بر تبدیل روستا به شهر و جایگاه شهرهای به‌وجود آمده طی دهه‌های اخیر در استان گیلان، می‌توان نقش و جایگاه این‌گونه شهرها در نظام شهری استان را تحلیل نمود. بررسی نتایج سرشماری‌ها نشان می‌دهد که به‌جز شهر هشتپر، بقیه شهرهای موجود در سرشماری سال ۱۳۳۵ همواره در رده ۱۰ شهر برتر استان بوده‌اند و بیشترین تغییرات رتبه میان

۱۰ شهر اول در سرشماری ۱۳۶۵ رخ داده است. ده شهر اول سه سرشماری اخیر در هر سه دوره موقعیت خود را حفظ کرده اند.



شکل ۶ نمودار تغییرات رتبه شهرهای استان گیلان بر حسب اندازه جمعیت در طول دوره های مختلف سرشماری
منبع: یافته های پژوهش

طی دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵، اسالم از ۳۷ به ۲۳ و لوندویل از ۳۰ به ۲۲ صعود کرده اند که سریعترین رشد را در دهه اخیر تجربه کرده اند. شهر هشتمین که در سرشماری سال ۱۳۳۵ به عنوان کم جمعیت ترین شهر استان محسوب می شد، در چند دهه اخیر با رشد روز افزونی مواجه شده است. جمعیت این شهر در سال ۱۳۹۵ معادل ۱۶/۱۵ برابر جمعیت سال ۱۳۳۵ بوده و طی سه سرشماری اخیر به عنوان پنجمین شهر پر جمعیت استان محسوب شده است. بررسی ها نشان می دهد که شهرهای اطراف شهر رشت همواره رشد داشته اند و متراکم ترین منطقه استان از نظر تمرکز نقاط شهری پیرامون شهر رشت مشاهده می شود. در مقابل، در

سرشماری‌های پس از انقلاب اسلامی، ماسوله همواره در رتبه آخر قرار داشته و با کاهش جمعیت روبرو بوده‌است. بیشترین افت رتبه در شهر واجارگاه به‌وقوع پیوسته و این شهر از رتبه ۲۶ در سال ۱۳۶۵ به رتبه ۴۰ در سال ۱۳۹۵ سقوط نموده‌است.

۹- ارتباط میان عوامل موثر بر تبدیل روستا به شهر و جایگاه شهرها در نظام شهری

به‌منظور تحلیل ارتباط جایگاه شهرها با عوامل موثر بر تبدیل آنها به شهر، می‌توان از آزمون‌های آماری بهره برد. همانگونه که گفته‌شد، در استان گیلان سه دسته از شهرها با عنوان شهرهای تاریخی، شهرهای حاصل از تغییرات طبیعی و شهرهای شکل‌گرفته بر اساس مداخله سیاسی قابل شناسایی هستند. بدین‌منظور، ابتدا نرمال بودن داده‌ها براساس اطلاعات سرشماری سال ۱۳۹۵ در نرم افزار SPSS از طریق آزمون کولموگروف-اسمیرنوف^{۲۸} مورد بررسی قرار می‌گیرد. طبق جدول زیر مشاهده می‌شود که Sig کوچک‌تر از ۵ صدم بوده و توزیع داده‌ها نرمال نیست؛ لذا باید از آزمون‌های ناپارامتریک استفاده نمود. از آنجا که متغیر مورد بررسی نرمال نیست، آزمون کروسکال-والیس^{۲۹} مورد استفاده قرار می‌گیرد. فرض صفر در این آزمون برابری میانگین رتبه‌ها و به‌عبارتی عدم اثرگذاری متغیر کیفی (عامل موثر بر تبدیل روستا به شهر) بر متغیر کمی (رتبه شهرها در نظام شهری) می‌باشد. بر اساس نتایج آزمون، می‌توان مشاهده نمود که فرض H_0 رد شده و می‌توان گفت میانگین رتبه شهرهای تاریخی بیش از شهرهای پدید آمده از تحولات طبیعی بوده و میانگین رتبه این دو، بیش از شهرهای پدید آمده ناشی از مداخله سیاسی است. نتیجه این است که عوامل مختلف موثر بر تبدیل روستا به شهر، جایگاه متفاوتی به شهرها در نظام شهری داده‌اند.

^{۲۸} - Kolmogorov-Smirnov Test

^{۲۹} - Kruskal Wallis Test

جدول ۸ آزمون نرمال بودن داده‌های مورد بررسی

		جمعیت شهرها	فرایندهای موثر
N		52	52
Normal	Mean	30827.4231	2.2885
Parameters ^{a,b}	Std. Deviation	95008.63716	.74981
Most	Absolute	.374	.290
Extreme	Positive	.349	.188
Differences	Negative	-.374	-.290
Kolmogorov-Smirnov Z		2.700	2.093
Asymp. Sig. (2-tailed)		.000	.000

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج تحلیل نظام شهری استان و روند تبدیل روستا به شهر طی شش دهه اخیر، نشان می‌دهد که اغلب شهرهای جدید، صرفاً به انتهای جدول نظام شهری موجود افزوده شده‌اند و نه تنها تغییری در نظام رتبه-اندازه شهرها در سطح ناحیه‌ای ایجاد نکرده‌اند، بلکه صرفاً جابجایی اندکی میان رتبه‌های خود طی دو دهه اخیر داشته‌اند که بسیار ناچیز جلوه‌گر می‌نماید.

جدول ۹ ارزیابی ارتباط عوامل موثر بر تبدیل روستا به شهر با جایگاه شهر در نظام شهری بر اساس آزمون کروسکال-والیس

Ranks			Test Statistics ^{a,b}	
فرایندهای موثر	N	Mean Rank		jamiat
جمعیت شهرها	1.00	9	47.44	
	2.00	19	30.53	Chi-square 31.272
-	3.00	24	15.46	df 2
Total	52			Asymp. Sig. .000

منبع: یافته‌های پژوهش

۱۰- نتیجه‌گیری

رشد روزافزون تعداد مراکز شهری در کشورهای درحال توسعه از جمله ایران، موجب شده تا عوامل، فرایندها و اثرات ناشی از تبدیل روستا به شهر همواره به‌عنوان یکی از موضوعات مورد بحث در میان پژوهشگران مطرح باشد. از نظر مفهومی، تبدیل روستا به شهر به این امر اشاره

دارد که چگونه سکونتگاه‌های روستایی در قالب نقاط شهری مستقل طبقه‌بندی می‌شوند. با چنین نگاهی، شهر به‌مثابه سکونتگاهی تعریف می‌شود که از سوی دولت به‌عنوان شهر شناخته‌شده و سازوکارهای دولتی که برای شهرها تعریف شده‌است، در آن تاسیس شوند. از بعد نظری و تجربیدی، تحلیلی بر عوامل موثر بر تبدیل روستا به شهر، بیانگر این است که عوامل موثر بر تبدیل روستا به شهر را می‌توان در قالب سه عامل طبیعی، سیاسی و برنامه‌ریزانه طبقه‌بندی نمود.

مطالعه نظام شهری استان گیلان نشان می‌دهد که در تبدیل روستا به شهر می‌توان به سه دسته از شهرها اشاره نمود:

۱. شهرهای با اعتبار تاریخی: شامل شهرهایی است که پیش از اولین سرشماری (۱۳۳۵)

دارای شهرداری بوده و در اولین سرشماری نیز شهر محسوب شده‌اند و بیش از ۵۰۰۰ نفر جمعیت داشته‌اند.

۲. نقاطی که بر اثر فرایند طبیعی به شهر تبدیل شده‌اند: شامل شهرهایی که به حد

جمعیتی ۵۰۰۰ نفر رسیده‌اند و در سرشماری‌های پس از سال ۱۳۳۵ وارد نظام شهری استان شده‌اند. این دسته سکونتگاه‌هایی هستند که طی زمان رشد نموده و در اثر تغییر در اندازه و کارکرد، توسط دولت به‌عنوان شهر به رسمیت شناخته شده‌اند.

۳. نقاطی که بر اثر مداخله سیاسی تبدیل به شهر شده‌اند: این شامل نقاطی است که مرکز

بخش بوده‌اند یا کمتر از ۵۰۰۰ نفر جمعیت داشته‌اند و یا با تجمیع و ادغام چندین سکونتگاه، در آنها شهرداری ایجاد شده‌است.

طبق یافته‌های پژوهش حاضر، تحلیل روند تبدیل روستا به شهر در استان گیلان نشان می‌دهد که عامل سیاسی به‌عنوان مداخله غالب در تبدیل روستا به شهر در استان قابل شناسایی است. تعداد ۲۴ شهر از ۴۳ شهری که طی شش دهه اخیر به نظام شهری استان افزوده شده‌اند، در اثر تاثیر ملاک‌هایی که در بند سوم عنوان شده‌اند، شکل گرفته‌اند.

در رابطه با عوامل موثر بر تبدیل روستا به شهر، در مقایسه با پژوهش میترا و کومار در هند (۲۰۱۵) که به تمایز شهرهای قانونی و شهرهای آماری و روند شکلگیری آنها تاکید می‌کنند، نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که در استان گیلان تا سرشماری ۱۳۵۵ میان شهرهای دارای شهرداری (متناظر با همان معنی شهرهای قانونی در هند) و شهرهای مورد بررسی در سرشماری‌ها (همان شهرهای آماری در هند) تمایز وجود داشته‌است. اما در اولین سرشماری پس از انقلاب اسلامی (۱۳۶۵) و بعد از آن، میان مفهوم شهر دارای شهرداری و شهر لحاظ شده در سرشماری انطباق به‌وجود آمده و شهر به مفهوم مکانی که از سوی دولت به‌عنوان شهر معرفی



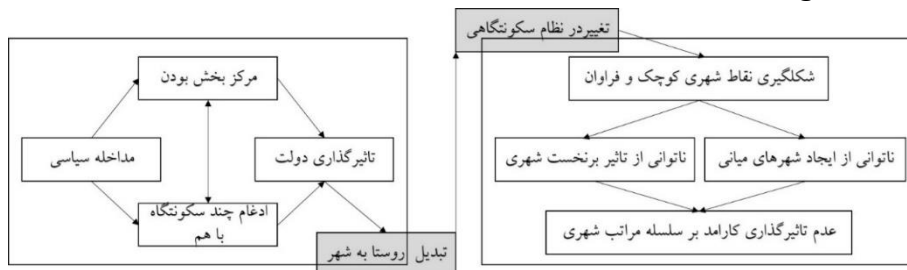
می‌شود، در نظر گرفته شده‌است. بنابراین، مفهوم شهر آماری پس از انقلاب اسلامی در ایران از بین رفته و تنها شهر به مفهوم قانونی آن رسمیت یافته‌است. همانگونه که رهنمایی (۱۳۷۵) بر آن تاکید می‌کند، نقش دولت در تبدیل روستا به شهر، در منطقه مورد مطالعه نیز بسیار پررنگ جلوه می‌کند. در انطباق با پژوهش ضیاءتوانا و امیرانتخابی (۱۳۸۶) مشخص شد که ادغام و تجمیع روستاهای مختلف برای ایجاد یک شهر، نقش موثری در تبدیل روستا به شهر در استان گیلان داشته‌است. مطابق با یافته‌های زنگنه شهرکی (۱۳۹۳) می‌توان نقش پررنگ مداخله سیاسی در تبدیل روستا به شهر در استان گیلان را مشاهده نمود. در پاسخ به بخش دوم سوال پژوهش، یافته‌ها نشان می‌دهد که سه معضل اساسی در نظام شهری استان قابل تشخیص است:

- بزرگسری مرکز استان؛ به طوری که طبق سرشماری سال ۱۳۹۵ شهر رشت نزدیک به ۴۲٫۴ درصد از جمعیت شهری استان را در خود جای داده‌است.
- عدم وجود شهرهای میانی به معنی واقعی آن؛ که این منجر به ایجاد دوگانگی شبکه شهری شده‌است.
- نرخ شدید تبدیل روستا به شهر در چند دهه اخیر و خصوصاً پس از انقلاب اسلامی در استان؛ که سبب شده تا این دسته از شهرها نتوانند در سلسله‌مراتب جمعیتی نظام شهری جایگاه بایسته‌ای برای خود فراهم کنند.

در رابطه با این بخش از پژوهش، یافته‌ها نشان می‌دهد مشابه پژوهش سرایی و اسکندری (۱۳۸۶) می‌توان گفت تغییر در قوانین تقسیمات کشوری، موجب گسترده‌تر شدن قاعده نظام شهری شده‌است؛ به طوری که تعداد شهرهای کمتر از ۲۵ هزار نفر از ۱۵ شهر در سال ۱۳۵۵ به ۴۲ شهر در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته‌است. براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ مجموع جمعیت سه شهر اول استان، بیش از نیمی از جمعیت شهرنشین کل استان را شامل می‌شود، درحالی‌که مجموع جمعیت نیمی از شهرهای استان که در رده پایین جمعیتی قرار دارند (۲۶ شهر انتهایی جدول) مجموعاً ۱۲۳۶۸۳ نفر یعنی کمتر از ۸ درصد کل جمعیت شهری را تشکیل می‌دهد. از نظر اندازه جمعیتی، بیشتر مراکز شهرستان‌ها در رده شهرهای میانی (۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر) قرار می‌گیرند. اگر جمعیت شهر رشت از محاسبات حذف شود، میزان متوسط جمعیت شهری استان در سال ۱۳۹۵ برابر ۱۸۰۹۹ نفر است که نشان می‌دهد به‌طور میانگین شهرهای استان در طبقه شهرهای کوچک قابل طبقه‌بندی هستند. در مقایسه با یافته‌های یوسفی و همکاران (۱۳۹۳) که معتقدند شهرهایی که توانسته‌اند از طبقه شهرهای کوچک عبور کرده و به طبقه شهرهای متوسط و بزرگ ارتقا یابند، شهرهای واقع در مجاورت کلانشهرها بوده‌اند، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد،

هیچ‌کدام از شهرهایی که به نظام شهری افزوده شده‌اند، نتوانسته‌اند از طبقه شهرهای کوچک خارج شوند. درحالی‌که زنگنه و همکاران (۱۳۹۲) به نقش مثبت تبدیل روستا به شهر بر نظام شهری استان خراسان رضوی اشاره می‌کنند. در این پژوهش روشن شد که تبدیل روستا به شهر، نتوانسته تاثیر مثبتی بر کل نظام شهری استان بگذارد و به افزایش تعادل نظام شهری کمک کند.

برآیند مطالعات حاکی از این است که بیش از آنکه روند تبدیل روستا به شهر بتواند سبب تغییر در نظام شهری استان شود، روند شتابان رشد شهر رشت به‌عنوان مرکز استان و نخست شهر منطقه، سبب شده تا نظام شهری استان از دستیابی به تعادل ناتوان باشد. از این نظر، می‌توان گفت در مقیاس منطقه‌ای، تبدیل روستا به شهر نتوانسته به‌عنوان یک مداخله اثربخش در اصلاح نظام شهری استان گیلان موثر واقع شود. در نتیجه می‌توان نحوه تاثیرگذاری مداخله سیاسی به‌عنوان مداخله غالب در تبدیل روستا به شهر بر دگرگونی نظام شهری استان گیلان را به صورت نمودار زیر ارائه نمود. این امر، ضرورت تغییر در نگرش فضایی موجود و به‌کارگیری الگوهای متفاوت و کارآمدتر را روشن می‌سازد؛ امری که می‌بایست در پژوهش‌های آتی بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. در این میان، توجه به توسعه شهرهای میانی به جای تبدیل روستا به شهر را می‌توان به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین راهبردهای پیشنهادی برای تغییر نظام فضایی استان گیلان مطرح نمود.



شکل ۷ نحوه تاثیر مداخله سیاسی به‌عنوان عامل اصلی موثر در تبدیل روستا به شهر بر نظام سکونتگاهی استان گیلان
منبع: یافته‌های پژوهش



منابع

- آمار، تیمور، «جمعیت و شهرنشینی در استان گیلان: یک بررسی جغرافیایی»، فصلنامه چشم‌انداز جغرافیایی، شماره ۵، ۱۳۸۶، ۲۲.
- امیرانتخابی، شهرام، «پیامدهای تبدیل روستاها به شهر در ناحیه فومنات»، جغرافیا، شماره ۴۶، ۲۳۵-۱۳۹۴، ۲۵۱.
- ایزدی خرامه، حسن، تبدیل روستا به شهر و نقش آن در توسعه روستایی مطالعه موردی استان فارس، رساله دکتری رشته جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۰.
- ایزدی، حسن و نوذری، معراج، «ارتقای روستا به شهر و تاثیر آن در تحول تعامل‌های روستایی-شهری، مطالعه موردی: بخش بیضاء شهرستان سپیدان»، پژوهش‌های روستایی، سال ۴، شماره ۱، ۷۷-۱۳۹۲، ۱۰۰.
- تقوایی، مسعود، شفقی، سیروس و قادری، محمدرضا، «بررسی عوامل موثر در تعادل بخشی به عرصه فضایی استان گیلان»، آمایش سرزمین، دوره ۸، شماره ۱، ۸۳-۱۰۵، ۱۳۹۵.
- حاجی‌پور، خلیل و زبردست، اسفندیار، «بررسی، تحلیل و ارزیابی عواملی برای نظام شهری استان خوزستان»، هنرهای زیبا، شماره ۲۳، ۱۴-۵، ۱۳۸۴.
- رکن‌الدین افتخاری، ابراهیم، خلیفه، عبدالرضا، پورطاهری، مهدی و رحمانی فضل، عبدالرضا، «تحلیل الگوی مدیریت برنامه‌ریزی فضایی مناطق روستایی در ایران مورد مطالعه: طرح‌های هادی مناطق روستایی استان تهران»، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره ۲۰، شماره ۳، ۶۱-۱۰۴، ۱۳۹۵.
- رهنمایی، محمدتقی، «دولت و شهرنشینی در ایران (مبانی و اصول کلی نظریه توسعه شهر و شهرنشینی در ایران)»، پیش‌شماره بوم‌شناسی شهری، ۱۴۳-۱۶۵، ۱۳۸۸.
- زبردست، اسفندیار، «بررسی تحولات نخست شهری در ایران»، هنرهای زیبا، شماره ۲۹، ۲۹-۳۸، ۱۳۸۶.
- زنگنه، یعقوب، سمعی‌پور، داود و حمیدیان، علیرضا، «تبدیل روستا به شهر و نقش آن در توسعه منطقه‌ای و تحولات نظام شهری (مطالعه موردی: استان خراسان رضوی)»، مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، شماره ۱۳، ۱۷-۳۶، ۱۳۹۲.
- زنگنه شهرکی، سعید، «فرایند تبدیل نقاط روستایی به شهر در مقیاس ملی و پیدایش پدیده خام‌شهرها»، پژوهش‌های روستایی، دوره ۴، شماره ۳، ۵۲۵-۵۵۷، ۱۳۹۲.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان، تهیه و بازنگری برنامه آمایش استان گیلان، رشت، ۱۳۹۶.
- سرای، محمدحسین و اسکندری ثانی، محمد، «تبدیل روستاهای بزرگ به شهرهای کوچک و نقش آن در تعادل بخشی ناحیه‌ای موردشناسی: ریوش شهرستان کاشمر»، جغرافیا و توسعه، دوره ۵، شماره ۱۰، ۱۶۵-۱۸۲، ۱۳۸۶.

ضیاءتوانا، محمدحسن و امیرانتخابی، شهرام، «روند تبدیل روستا به شهر و پیامدهای آن در شهرستان تالش»، جغرافیا و توسعه، شماره ۱۰، ۱۰۷-۱۲۸، ۱۳۸۶.

ضیاءتوانا، محمدحسن و شریفی، خدیجه، «تبدیل شلمزار به شهر و نقش آفرینی آن در توسعه روستاهای پیرامون، مطالعه مورد: بخش کیار-شهرستان شهرکرد»، پژوهش‌های روستایی، سال ۴، شماره ۱، ۴۹-۷۵، ۱۳۹۲.

سگری، علی، مطالعه روستاهای در حال گذار، تهران: انتشارات بنیاد مسکن، ۱۳۹۱.
فیروزنیا، قدیر، ضیاءتوانا، محمدحسن و رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، «تبیین فرایند تحول روستا به بهره‌گیری از نظریه چرخه حیات»، برنامه‌ریزی و آمایش فضا (مدرس علوم انسانی)، شماره ۵۰، ۹۳-۱۲۰، ۱۳۸۶.

کریمی، بهرام، سلمانی، محمد، بدری، سیدعلی، رضوانی، محمدرضا و قدیری معصوم، مجتبی، «روند تحولات شهرنشینی در استان گیلان»، چشم انداز جغرافیایی، شماره ۲۰، ۷۱-۸۴، ۱۳۹۱.
گلی، علی، سگری، علی و رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، «تبیین الگوی فضایی روستاهای در حال گذار با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی: منطقه شمال غرب ایران»، مدرس علوم انسانی، دوره ۸، شماره ۴، ۱۴۷-۱۷۴، ۱۳۸۳.

مهندسین مشاور بعد تکنیک، طرح جامع توسعه و عمران ناحیه شرق گیلان، رشت: اداره کل مسکن و شهرسازی استان گیلان، ۱۳۸۹.

مهندسین مشاور ایران آمایش، طرح توسعه و عمران ناحیه غرب گیلان، رشت: سازمان مسکن و شهرسازی گیلان، ۱۳۹۱a.

مهندسین مشاور ایران آمایش، طرح توسعه و عمران ناحیه مرکز گیلان، رشت: سازمان مسکن و شهرسازی گیلان، ۱۳۹۱b.

مهندسین مشاور نقش جهان پارس، طرح مجموعه شهری رشت، رشت: اداره کل راه و شهرسازی استان گیلان، ۱۳۹۱.

نظریان، اصغر و بهارلویی، کتایون، «بررسی کارکرد شهرهای کوچک در نظام شهری و توسعه منطقه‌ای (مطالعه موردی شهر نایین)»، اقتصاد و مدیریت شهری، شماره ۴، ۵۹-۷۳، ۱۳۹۲.

وزارت مسکن و شهرسازی، طرح کالبدی منطقه شمال، تهران، ۱۳۸۸.

یوسفی، اسماعیل، وارثی، حمیدرضا، تقوایی، مسعود و بیک‌محمدی، حسن، «تحلیلی بر روند جایگاه شهرهای کوچک در نظام شهری در دوره ۱۳۳۵-۱۳۸۵ با استفاده از مدل Balance Sheet»، نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال ۸(۱)، ۳۵-۵۶، ۱۳۹۳.

Amar, T., "Population and Urbanism in the Guilan Province: a Geographical Study", *JSHSP*, No. 5, 5-22, 2007. [In Persian]



- Amirentekhabi, S., "Impacts of Transformation of Villages to City in Foomanat Area", *Geography*, No. 46, 235-251, 2008. [In Persian]
- Asgari, A., Study of Transitional Villages, Tehran, Housing Foundation Publication, 2012. [In Persian]
- Bajracharya, B. N., "Promoting Small Towns for Rural Development: A View from Nepal", *Asia Pacific Population Journal*, No.10 (2), 27-50, 1995.
- Bell, D. & Jayne, M., "Conceptualizing Small Cities", in Bell, D. and Jayne, M., (Eds.) *Small Cities: Urban Experience Beyond the Metropolis*, Oxon, Routledge, 2006.
- Bhagat, R. B., "Urban Growth by City and Towns Size in India", In Acts of the Population Association of America Conference. Philadelphia, 2005.
- Bloh, H. V., "Small Towns as Interfaces for Interaction, Exchange and Transition in Vietnam", Institute of Southeast Asian Studies II, University of Passau, Germany, 2008.
- Boed-E Technic Consulting Engineers, Development plan of Guilan's Eastern Areas, Rasht, Guilan's Housing and Urban Planning head office, 2010. [In Persian]
- Bradshaw, Y. W. & Noonan, R., "Urbanization, Economic Growth, And Women's Labour-force Participation: A Theoretical and Empirical Reassessment". In *Cities in the Developing World: Issues, Theory, and Policy*, (ed.) J Gugler. Oxford University Press, Oxford, 1997.
- Chakraborty, S. & Chakma, N., "Trend Of Urbanisation and Growth Of Small Towns in Barddhaman District, West Bengal, India", *Scientific Annals of Alexandru*, University of Iasi, No 60(1), 200-209, 2014. <http://dx.doi.org/10.15551/scigeo.v60i1.332>.
- Cohen, B., "Urbanization in Developing Countries: Current trends, Future Projections, and Key Challenges for Sustainability", *Technology in Society*, No. 28, 8-63, 2006. <https://doi:10.1016/j.techsoc.2005.10.005>.
- Courtney, P., Errington, A., "The Role of Small Towns in the Local Economy and Some Implications for Development Policy", *Local Economy*, No.15, 280-301, 2000. <https://doi.org/10.1080%2F026909400750068013>.
- Douglass, M., "A Regional Network Strategy for Reciprocal Rural-Urban Linkages: An Agenda for Policy Research with Reference to Indonesia", *Third world planning review*, Vol. 20, No. 1, 1-30, 1998. <https://doi:10.3828/twpr.20.1.f2827602h503k5j6>.
- Firoznia G., Ziyae Tavana, M. H., Roknaddin Eftekhari, A., "Explaining the Process of Evolution Rural Development; the Application of Life Cycle Theory", *MJSP*, Vol. 11 (1), 93-119, 2007. [In Persian]
- Friedmann, J. & Douglass, M., "Agropolitan Development: Toward a New Strategy for Regional Planning in Asia", in F. Lo and K. Salih, eds., *Growth Pole Strategy and Regional Development Policy*, Oxford, Pergamon Press,

163-192, 1978.

Goli, A., Asgari, A. and., Roknaddin Eftekhari, A., "Explaining Spatial Pattern of Transitional Villages Using Geographic Information System: Northwest of Iran", *MJSP*, Vol. 4(8), 147-174, 2004. [In Persian]

Guin, D. & Das, D. N., "Spatial Perspectives of the New Census Towns, 2011: A Case Study of West Bengal", *Environment and Urbanization Asia*, No. 6(2), 109-124, 2015. [https:// doi: 10.1177 /0975425315589155](https://doi.org/10.1177/0975425315589155).

Haji pour, Kh. and Zebardast, S., "Survey, Analysis and Introducing Factor for Urban System of Khuzestan Province", *Journal of Fine Arts*, No. 23, 5-14, 2005. [In Persian]

Henderson, V. J., "China Economic Research and Advisory Programme Urbanization in China: Policy Issues and Options", Brown University and NBER, 2009.

Hinderink, J. & Titus, M., "Small Towns and Regional Development: Major Findings and Policy Implications from Comparative Research", *Urban Studies*, No. 39, 379-391, 2002. [https:// doi: 10.1080/ 00420980220112748](https://doi.org/10.1080/00420980220112748).

Iran Amayesh Consulting Engineers, Development plan of Guilan's Central Areas, Rasht, Guilan's Housing and Urban Planning head office, 2012b. [In Persian]

Iran Amayesh Consulting Engineers, Development plan of Guilan's Western Areas, Rasht, Guilan's Housing and Urban Planning head office, 2012b. [In Persian]

Izady Kharameh, H., Role of Change from Village to City in Rural Development, Case Study: Fars Province, Ph.D. dissertation, Tarbiat Modarres University, Tehran, 2001. [In Persian]

Izady, H. and Nozari, M., "Promoting Villages to Towns and its Role in Changing Rural-Urban Interactions (Case Study: Beyza' Town, Fars Province)", *Journal of Rural Research*, Vol. 4, 77-100, 2013. [https://doi: 10.22059/JRUR.2013.31972](https://doi.org/10.22059/JRUR.2013.31972). [In Persian]

Karimi, B., Salmani, M., Badri, S. A., Rezvani, M. R. and Ghadiri Masoom, M., "The Process of Urbanization Changes in Guilan Province", *JSHSP*, Vol. 7, 71-84, 2012. [In Persian]

Knight, J., "Town Making in Rural Japan: An Example from Wakayama", *Journal of Rural Studies*, Vol. 10, No. 3, 249 - 261, 1994. [https://doi.org/10.1016/0743-0167 \(94\)90052-3](https://doi.org/10.1016/0743-0167(94)90052-3).

Management and Planning Organization of Guilan Province, Preparing and Revising Spatial Plan of Guilan Province, Rasht, 2017. [In Persian]

Manta, R. & Borah, J., "Growth of Small Towns in the Surroundings of Guwahati City, Assam, India", *International Journal of Scientific & Engineering Research*, Vol. 4, 1135-1150, 2013.

Ministry of Housing and Urban Planning, North Region's Physical Plan,

- Tehran, 2009. [In Persian]
- Munzwa, K. M. & Wellington, J., "Urban Development in Zimbabwe: a Human Settlement Perspective", *Theoretical and Empirical Researches in Urban Management*, No. 5(14), 120-146, 2010. <https://RePEc:rom:terumm:v:5:y:2010:i:14:p:120-146>.
- Naghsh-E Jahan Pars Consulting Engineers, Rasht's Urban Region's Development Plan, Rasht, Guilan's Housing and Urban Planning head office, 2012. [In Persian]
- Nazarian, A., and Baharlouei, K., "An Investigation into the Functions of Small Cities in Urban System and Regional Development (The Case of the City of Nain)", *IUESA*, No. 1 (4), 59-73, 2013. [In Persian]
- Njoh, A. J., "Urbanization and development in sub-Saharan Africa", *Cities*, Vol. 20, No. 3, 167-174, 2003. [https://doi.org/10.1016/S0264-2751\(03\)00010-6](https://doi.org/10.1016/S0264-2751(03)00010-6).
- Owusu, G., "The Role of District Capitals in Regional Development Linking Small Towns, Rural-Urban Linkages and Decentralisation in Ghana", *International Development Planning Review*, Vol. 27, 59-90, 2005. <https://doi.org/10.3828/idpr.27.1.4>.
- Rahnamei, M. T., "State and Urbanization in Iran (Foundations and Major Principles of City and Urbanization Development in Iran)", *Urban Ecology Researches*, 143-165, 2009. [In Persian]
- Rezvani, M. R. & Mansourian, H., "Developing Small Cities by Promoting Village to Town and Its Effects on Quality of Life for the Local Residents", *Social Indicators Research*, Vol. 110, 147-170, 2013. <https://doi.org/10.1007/s11205-011-9921-7>.
- Rokn-e-ddin Eftekhari, A., Khalifeh, E., Pourtaheri, M. and Rahmani-fazli, A., "Analyzing of the spatial planning management's pattern of rural regions in Iran, case study: Rural Development Plans of Tehran Province", *MJSP*, Vol. 20, 61-104, 2016. [In Persian]
- Rondinelli, D. A. & Evans, H., "Integrated Regional Development Planning: Linking Urban Centers and Rural Areas in Bolivia", *World Development*, Vol. 11, 31-35, 1983. [https://doi.org/10.1016/0305-750X\(83\)90085-2](https://doi.org/10.1016/0305-750X(83)90085-2).
- Saraei, M. H. and Eskandari sani, M., "Changing the large Village to Small City and its Roles on the Regional Balance: Rivash-Kashmar", *Geography and Development*, No. 5, 165-182, 2007. [In Persian]
- Satterthwaite, D. & Tacoli, C., "The Urban Part of Rural Development: The Role of Small and Intermediate Urban Centres in Rural and Regional Development and Poverty Reduction, Working Paper Series on Rural-Urban Interactions and Livelihood Strategies", IIED, London, 2003.
- Smith, N. R., "Beyond Top-down/Bottom-up: Village Transformation on China's Urban Edge", *Cities*, Vol. 41, 209-220, 2014.

<http://dx.doi.org/10.1016/j.cities.2014.01.006>.

Tacoli, C., "The Links between Urban and Rural Development", *Environment and Urbanization*, No. 15, 3-12, 2003. [https://doi: 10.1177/095624780301500111](https://doi.org/10.1177/095624780301500111).

Taghvaei, M., Shafaghi, S. and Ghaderi, M. R., "A Study of Effecton Factors on the Balance of the Realm of Space, Province of Gilan", *JTCP*, Vol. 8, 83-105, 2016. [https://doi: 10.22059/jtcp.2016.59146](https://doi.org/10.22059/jtcp.2016.59146). [In Persian]

Thomas, M., "Making a Town: Urbanity, Rurality, and the Politics of Place in Ebersbach (Fils)", 1945-1989, *Journal of Urban History*, No. 26, 1-19, 2016. [https://doi: 10.1177/0096144216683157](https://doi.org/10.1177/0096144216683157).

Yousefi, E., Varesi, H.R., Taghvaei, M. and Beik Mohammadi, H., "An Analysis on Trends of Small Cities Position in Urban System in 1956-2006 period with Balance Sheet Model", *Human Geography*, Vol. 8(1), 35-56, 2014. [In Persian]

Zanganeh Y., Samiepur D. and Hamidiyan A., "The Transforming Villages into Towns and its Role in Regional Development and Urban System Changes (Case Study: Khorasan Razavi Province)", *Arid Regions Geographic Studies*, Vol. 4 (13), 17-36, 2013. [In Persian]

Zangene Shahraki, S., "Explanation on Conversion of Rural Areas into Town as a Challenge in National Scale and Formation of Khamshahr", *Journal of Rural Research*, Vol. 4, 535-557, 2013. DOI: 10.22059/JRUR.2013.36493. [In Persian]

Zangene Shahraki, S., "Explanation on Conversion of Rural Areas into Town as a Challenge in National Scale and Formation of Khamshahr", *Journal of Rural Research*, Vol. 4, 535-557, 2013. DOI: 10.22059/JRUR.2013.36493. [In Persian]

Zebardast, S., "Developments of the Urban Primacy in Iran", *Journal of Fine Arts*, No. 29, 29-38, 2007. [In Persian]

Ziatavana, M. H. and Amir Entekhabi, Sh., "Procedure of Conversion in Village to City and its Results in Talesh Township", *Geography and Development*, No. 10, 107-128, 2007. [In Persian]

Ziatavana, M. H. and Sharifi, Kh. "Transformation from Villages to Cities and its Effect on Rural Peripheries Development (Case Study: Kiar District, Shahrekord Township)", *Journal of Rural Research*, Vol. 4, 49-75, 2013. DOI: 10.22059/jrur.2013.31971. [In Persian]